



Investigation of Religious and Social Elements in the Inscriptions of Chaharmahal and Bakhtiari Province

Mehdi Tahmasbi Dezaki^{1*}, Ali Hosseinpour²

1. Ph.D student of Persian Language and Literature, Shahrekord University (corresponding author)
2. Master's Degree in Iranian Studies, Culture, Customs, and Cultural Heritage, Researcher at Chaharmahal and Bakhtiari Branch of Iranology Foundation, Shahrekord, Iran.

Received 2022/05/05 | Accepted 2022/06/22

Abstract

The history of inscription in Iran goes back several thousand years ago. The date of creation and the geographical location of the inscriptions, the type of lines used, their topics, and their content are very important from the viewpoint of archeology, history, culture, and literature. In different historical periods (from the ancient to the modern era), the inscriptions have gone through various stages in terms of the course of transformation and development, and these inscriptions can be seen everywhere in the great country of Iran. There are many inscriptions in Chaharmahal and Bakhtiari, due to their ancient and historical background from the Elam, ancient, Islamic, and modern eras.

By examining and introducing these inscriptions, one can also learn about their various aspects and concepts including religious and social elements, in addition to the general understanding of their historical evolution of them. With this in mind, the present research has been conducted in library (documental) and field method. It is a descriptive-analytical study aiming at introducing the inscriptions of Chaharmahal and Bakhtiari province in general. It seeks to answer the question: What are the most important religious themes of the inscriptions of the province? Examining the available sources shows that there are many inscriptions in Chaharmahal and Bakhtiari province, each of which has different scripts, shapes, and sizes and according to their type of usage (including the castle, Hammam, Mosque, Imamzadeh, Saqakhana), reflects the type of religious beliefs, social thoughts and culture of the residents of Chaharmahal and Bakhtiari from the past to the present day. The results of this study will be useful for other researchers and students who are interested in the field of inscriptions and epigraphy, besides other resources.

Keywords: Chaharmahal and Bakhtiari province, Inscriptions, Themes of inscriptions, Religious concepts.

Copyright © 2020-2021 Cultural Heritage Records Studies. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Tahmasebi Dezaki Mehdi, Hosseinpour Ali. (2022). Investigation of Religious and Social Elements in the Inscriptions of Chaharmahal and Bakhtiari Province. *Cultural Heritage Records Studies*, 4(1), 32-53.

Corresponding Author: Mehdi Tahmasebi Dezaki, Ph.D student of Persian Language and Literature, Shahrekord University. **Email:** tahmaseby85@yahoo.com



بررسی عناصر دینی و اجتماعی در کتیبه‌های استان چهارمحال و بختیاری

مهدی طهماسبی دزکی^{۱*}، علی حسین پور^۲

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهر کرد، ایران
۲- کارشناسی ارشد ایران‌شناسی (گرایش فرهنگ، آداب و رسوم و میراث فرهنگی، پژوهشگر بنیاد ایران‌شناسی، چهارمحال و بختیاری، ایران

دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱۵ | پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۱

چکیده

کتیبه و کتیبه‌نگاری در تاریخ ایران، سابقه‌ای چند هزار ساله دارد. زمان ایجاد و مکان جغرافیایی کتیبه‌ها، شناخت نوع خطوط به کار رفته، مضامین و محتوای آن‌ها از نظر باستان‌شناسی، تاریخی، فرهنگی و ادبی اهمیت زیادی دارد. در دوره‌های مختلف تاریخی (از دوران باستان تا معاصر)، کتیبه‌ها از نظر سیر تحول و تطور، مراحل گوناگونی را گذرانده‌اند و در جای‌جای کشور بزرگ ایران، می‌توان این کتیبه‌ها را مشاهده نمود. استان چهارمحال و بختیاری نیز با توجه به سابقه کهن و تاریخی‌اش از عصر ایلام، دوران باستان، دوران اسلامی و معاصر، دارای کتیبه‌های بسیاری است. با بررسی و معرفی این کتیبه‌ها، علاوه بر شناخت کلی سیر تحولات تاریخی کتیبه‌نگاری، می‌توان از درون‌مایه و مفاهیم گوناگون آن از جمله عناصر دینی و اجتماعی نیز آگاه شد. با این دیدگاه، پژوهش حاضر، به شیوه مطالعه کتاب‌خانه‌ای (اسنادی) و مشاهده میدانی، به روش توصیفی-تحلیلی، با هدف معرفی کلی کتیبه‌های استان چهارمحال و بختیاری، در پی پاسخ به این پرسش است که مهم‌ترین مضامین مذهبی کتیبه‌های استان چیست؟ بررسی منابع موجود نشان می‌دهد کتیبه‌های متعددی در استان چهارمحال و بختیاری وجود دارد و هر کدام از کتیبه‌ها با خطوط مختلف و در شکل و اندازه‌های ایجاد شده متناسب با نوع کاربری‌شان (از جمله قلعه، حمام، مسجد، امام‌زاده، سقاخانه) بازتابی از نوع اعتقادات دینی، تفکرات اجتماعی و فرهنگی ساکنان چهارمحال و بختیاری از زمان‌های گذشته تا امروز است. نتایج این نوشتار می‌تواند در کنار سایر منابع پژوهشی تاریخی و ادبی، برای دانشجویان و پژوهشگران علاقه‌مند به حوزه کتیبه و کتیبه‌نگاری مفید واقع شود.

واژه‌های کلیدی: چهارمحال و بختیاری، کتیبه، کتیبه‌نگاری، مضامین کتیبه‌ها، مفاهیم دینی.

کپی رایت © دو فصلنامه مطالعات اسناد میراث فرهنگی: دسترسی آزاد؛ کپی برداری، توزیع و نشر با ذکر منبع آزاد است.

طهماسبی دزکی، مهدی. حسین پور، علی (۱۴۰۱). بررسی عناصر دینی و اجتماعی در کتیبه‌های استان چهارمحال و بختیاری. *مطالعات اسناد میراث فرهنگی*، ۴(۱)، ۳۲-۴۳.



* نویسنده مسئول: مهدی طهماسبی دزکی، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهر کرد، ایران
پست الکترونیک: tahmaseby85@yahoo.com

مقدمه

کتیبه‌ها، یکی از نشانه‌های حیات اجتماعی و فرهنگی جوامع بشری هستند که از نوع زیستن، نگاه‌ها، خواسته‌ها، اندیشه‌ها و باورهای اجتماع بشری در قرون و اعصار مختلف حکایت دارند و به صورت سنگ‌نوشته، کاشی، گچ‌بری، حکاکی فلزی و گنده‌کاری روی چوب و ... از روزگاران گذشته برای نسل‌های بعدی به یادگار مانده‌اند. این آثار با ارزش، در سینه خود گاهی به صورت مفصل و گاهی به صورت خلاصه، روایتی از برهه‌ای از زندگی در منطقه خاص و دوره‌های مخصوص را به مدد ذوق ادبی هنر شاعرانه و دست‌پنجه‌های هنرآفرین خردمندان، اهل فرهنگ و هنر، ضبط و ثبت نموده و پس از گذشت سالیان طولانی برای نسل‌های آتی، روشن‌کننده زوایای مبهم و ناشناخته زندگی گذشتگان هستند. در واقع، کتیبه‌ها در کنار کتاب‌های خطی و روایت‌های شفاهی در بازشناسی فرهنگ، هنر جامعه‌شناسی و تاریخ، نقشی ارزشمند و حائز اهمیت دارند.

چهارم‌حال و بختیاری، یکی از زیست‌بوم‌های کهن انسانی در میان کوه‌های سر به فلک کشیده زاگرس و کنار چشمه‌ساران پر آب و رودخانه‌های خروشان است که دیرینه‌شناسان برای این سرزمین، سابقه چند هزار ساله پیش از میلاد مسیح را برای زیست انسانی تخمین زدند. سرزمینی که بیش از آن که مبتنی بر منابع تاریخی باشد، روایت‌های شفاهی در آن حرف اول را می‌زده است و کم بودن منابع مکتوب، ارزش و اهمیت کتیبه‌ها را دو صد چندان می‌کند و به جامعه‌شناسان و پژوهشگران تاریخ و ادبیات امکان شناخت بهتر و روایت دقیق‌تر زندگی پیشینیان را می‌دهد. در این نوشتار، با استفاده از منابع معتبر و مشاهده میدانی و به روش توصیفی و تحلیلی، با هدف معرفی کتیبه‌های به جای مانده استان چهارم‌حال و بختیاری (که از گزند بلایای طبیعی و دست‌اندازی‌های ویرانگرانه انسانی جان سالم به در برده و به دست ما رسیده‌اند)، با نگاهی ویژه، به مهم

ترین عناصر دینی (مذهبی) کتیبه‌های استان، خواهیم پرداخت.

عناصر مذهبی در کتیبه‌های استان چهارم‌حال و بختیاری

پس از ورود اسلام به کشور پهناور ایران، مرحله جدیدی در تاریخ ایران شروع شد که در دوره‌بندی‌های تاریخی از آن به عنوان «تاریخ ایران اسلامی» یا «دوران ایران بعد از اسلام» یاد می‌شود. چهارم‌حال و بختیاری همانند سایر مناطق کشور، متأثر از این تحول مهم تاریخی بوده است. نشانه‌های این تغییرات را می‌توان در نوع زندگی، اعتقادات و باورهای مذهبی نظیر پذیرش اسلام، گرایش به مذهب تشیع، احترام به امام‌زادگان و سادات و اقدامات و نیکوکاری برخی از حاکمان منطقه‌ای و محلی در راستای ساخت اماکن عام‌المنفعه، مساجد و بقعه‌ها، کاروانسرا و ... مشاهده کرد (حسین‌پور، ۱۴۰۰: ۱۵۷).

با گذری کوتاه در میان سنگ قبور به جای مانده از قرن دهم تا سیزدهم، اشعار پرکاربرد را می‌توان یافت که بسامد آنها از اعتقادات و باورهای آیینی مردم شیعی مذهب منطقه نشان دارد که نمونه‌ای از آنها به شرح زیر است:

«یا رب به رسالت رسول ثقلین

یا رب به غزا کننده بدر و حنین

عصیان مرا دو نیم کن در عرصات

نیمی به حسن ببخش و نیمی به حسن» (تصویر ۱)



تصویر ۱. سنگ قبر دوره صفویه گورستان تاریخی نقنه بروجن (مأخذ: نگارنده)

و

ز تاریخ اتمام جويا شدم
 به من دفتری گفت این نکته را
 چو از یاری کردگار کریم
 به پایان رسید این بنا را بنا
 ز تاریخ پرسیدم از دفتری
 به من گفت این نکته بی مدعا
 به تاریخ او دست علمت رسد
 گذاری اگر خشت در زیر پا
 «۱۲۹۸ قمری»

«یا رب به جمال مصطفی بخش مرا
 و آن گه به کمال مرتضی بخش مرا
 گر ز آن که ز بندهات گنه صادر شد
 بر خاک شهید کربلا بخش مرا» (تصویر ۲)
 و
 «تا من باشم کنم تولا به علی
 تا حشر کند خدای با آل نبی
 با چهار محمد دو حسن یک موسی
 با جعفر و با حسین و با چهارعلی»

بی‌گمان، در پهن‌دشت اقلیم فرهنگی ایران بزرگ که قلمروی فرهنگ، هنر، زبان و اندیشه فارسی است، درهم‌تنیدگی و پیوند مذهب با ساختارهای مختلف فرهنگی، وجودی عینی و واقعی دارد. این عناصر مذهبی در کتیبه‌های استان چهارمحال و بختیاری به اشکال مختلف نمود و بروز دارد که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:



تصویر ۲. سنگ قبر دوره صفویه، موزه شهر پل مصلی بروجن (مأخذ: نگارنده)

آیات و احادیث

آیات و احادیث یکی از مهم‌ترین منابع اعتقادی و مذهبی است که بازتاب آن را می‌توان به خوبی در کتیبه‌نگاری‌های اسلامی مشاهده کرد. از آنجایی که بناهای مذهبی زیادی (مانند مساجد، حسینیه‌ها، امامزاده‌ها و...) در استان چهارمحال و بختیاری وجود دارد، همزمان با تأسیس این مکان‌ها، معمولاً کتیبه‌هایی نیز بر سر درب ورودی یا قسمتی از مکان که قابل رؤیت باشد، نصب می‌شد. در این کتیبه‌ها، علاوه بر بیان تاریخ ساخت بنا، بانیان، خیرها، هنرمندان و ... گاهی آیاتی و احادیث، نام‌های مذهبی نیز ذکر می‌شد و یا در قالب اشعار به این موارد اشاره می‌نمودند. برخی از این مساجد و امامزاده‌ها، تاریخی و کهن هستند، اما تنها تعدادی از این کتیبه‌ها باقی مانده است و برخی از آن‌ها به مرور از بین رفته‌اند.

در برخی از این آثار ذکر شده، کتیبه‌هایی وجود دارد که بازتابی از عناصر اعتقادی و مذهبی مردم این دیار است. هرچند تعداد این کتیبه‌ها به لحاظ تأکید بر روایت شفاهی و سخت گذر بودن این منطقه، زیاد نیست و آنچه در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفته دوازده کتیبه موجود در استان چهارمحال و بختیاری است که به لحاظ جامعه آماری شاید تعداد چشمگیری نباشد؛ اما آنچه که از دستبرد حوادث تاریخی و بلایای طبیعی به دست ما رسیده، غنیمتی است که مانند دیگر آثار از بین نرفته و از این آثار ویران شده می‌توان به کتیبه قلعه تاریخی فرادنبه اشاره کرد که از میان رفته، اما ماده تاریخ آن، سروده میرزا محمدامین دفتری بروجنی، به یادگار مانده است.

«در تاریخ عمارت فرادنبه
 چو تعمیر شد این عمارت همی
 به یاری خلاق ارض و سماء

«... هنوز آثار تاریخی از اتابکان لر باقی مانده است که می‌توان از مسجد اتابکان (امام صادق فعلی) شهرکرد نام برد که بنای آن به قرن ششم هجری قمری باز می‌گردد. جنب این مسجد، بقعه امامزادگان حلیمه خاتون و حکیمه خاتون قرار دارد که بنای آن به دوره اتابکان باز می‌گردد و در دوره‌های بعدی (مانند صفویه) تکمیل و مرمت شد» (حسین‌پور، ۱۴۰۰: ۱۶۹-۱۷۰).

در کتیبه‌های دهه‌های اخیر، که در مساجد و امامزاده‌های استان بر روی کاشی‌ها نقش بسته‌اند، می‌توان آیت‌الکرسی، نام مقدس امام علی(ع)، حضرت محمد و آیه‌های مربوط به اهمیت مساجد، خواندن نماز و ... را مشاهده نمود.

«گنجور گنجینه وجود و نمودارهای حقانیت اقتضای قل اللهم مالک‌الملک توتی‌الملک من تشاء بیدک‌الخیر اَنک علی‌کل‌شیءٍ قدير. درهم و دینار تمام عیار دولت و زردهی پادشاهی و فرماندهی از صدور یافته» (کتیبه مسجد جامع فرخ‌شهر) (نوروزی بلداجی، ۱۳۷۸: ۹۴-۹۵).

«ساکن این خطه علیا مقیمان دارالسعادة به اتفاق به مضمون حقیقت نمون یا ایها الذین آمنوا ائما الخمر و المیسر و نصب به، آلت قمار دراز نکرده قبل از آن که شطرنجی روزگار ایشان را در روز ممات و مات و فیل بند حیرت و پایمال هنگامه عرصات ساخته معلوم شود که آن برده باخته‌اند» (همان، ۹۴-۹۵).

«زنده گردد از او رمیم عظیم

گر نسیمی از آن وزد به قبور

شد از او خانه خدا آباد

إنه کان سعیکم مشکور

عجلوا بالصلوات قبل الفوت

از رسول خدا بود ماثور»

(مسجد جامع شهرک کیان، محرم ۱۱۵۲)

۱-روایت

«عجلوا بالصلوة قبل الموت».
«هو الله العزيز قال رسول الله إنَّ مدینه‌العلم و علی بابها».

۲-مسجد

«مردمان خانه خدا اینجاست

جای پاکان بی‌ریا اینجاست»

و نیز آمده

«تبارک الله از این مسجد مشید

که سر کشیده بر رفعت به اوج چرخ ممرد

رسانده اصل بنا متین به ماه و مهر

گذشته فرع بنا تا به ماه مهر مصعد

چو نور مهر بر او تابد از دریچه شرق

کند به ساخت مغرب سواد سایه ممد

به حیرت است خردم شد سؤال بانی مسجد

بگفت حاج محمدرضاخان ممید

جهان جود و معانی که از تفضیل ایزد

شکوه دولت و جاهش شود به دهر موبد

سؤال کرد ز تاریخ مخلص از خرد او گفت

شده است کعبه دوم همین جدید معبد»

(لله‌گانی، ۱۳۸۵: ۴۵).

در کتیبه مسجد نو شهرکرد، روایتی از مسجدی تازه ساز در سال ۱۳۲۰ ه.ق که موقوفه‌ای دارد، مشاهده می‌کنیم:

«منت حمد قادر سبحان

شد بنا مسجدی چه خلد جنان

بهر مصباح شمع مسجد نو

وقف کردم دو چشمه دکان

گر ز حد دکان نشان پرسی

نهر طالحونه تحت اوست روان

تا حیات است از اجاره او

صرف مسجد نمایم از دل و جان

بعد موتم ز اصل ذو فرع دکان

هست مختار پیشوای زمان



یکی از مؤلفه‌های ارزشمند و دارای نقش‌آفرینی خاص، توجه به عناصر حاکمیتی در دوره‌های مختلف و حکومت‌های سده‌های گذشته در این سرزمین است؛ به‌خصوص نام بردن از اشخاصی که دارای منصب و جایگاه دولتی بوده‌اند و در این کتیبه‌ها حضوری مؤثر دارند؛ مانند شاه عباس دوم در کتیبه گردنه رخ:

«یا اله‌ها به حق هشت و چهار

شاه عباس را سلامت دار

که تصدق نمود رخ را ساخت

شود از عمر خویش برخوردار

این دعا ورد خلق شد شب و روز

با عصر مهدیش معاصر دار»

نام میرزا سعید وزیر سرحد، در نخستین سال‌های سده دوازدهم، در کتیبه مسجد جامع فرخ‌شهر (که یادگار سال‌های آغازین حکومت شاه سلطان حسین، آخرین پادشاه سلسله صفویه است و تاریخ آن را ۱۱۰۶ برشمردند) آمده:

«حکم جهان متوقف شد آنکه وزیر سرحد شفقت شاهانه سرافراز شده بداند که چون از هنگامی که مه ره انجام بر تخت زرنگار فلکه آب» (نوروزی بلداجی، ۱۳۷۸: ۹۴-۹۵).

در خصوص سرحد باید گفت بنا بر اشاره مرحوم میرزای قهفرخی که در قرن دوازدهم می‌زیسته، همین منطقه چهارمحال و بختیاری است.

«از آن من هوادار این گلشنم

پی خواهشش جای در گلخنم

به سرحد وطن تا که بگزیده‌ام

بسی سرد و گرم جهان دیده‌ام»

(میرزای قهفرخی، ۱۳۹۹: ۱۰۷).

«قلیچ خانی سرکار»، سازنده کتیبه رخ:

«اول ماه ابتدا کردند آخر

ماه ختم شد این کار

سال تاریخ از اغنیا بطلب

التماس دعا ز جمله عباد

چون شدم بر سرای جاویدان

هست امیدم ز حضرت باری

ز ابر رحمت بشویدم عصیان

عبد واقف اقل حاج تقی

ابن ملا برات حاج سلطان» (مظهری، ۱۳۹۶: ۱۶۳).

«کعبه ثانی است و خلد برین

هست دائم پر از ملائک و نور

شد از او خانه خدا آباد

ینه کان سعیکم مشکور

عجلو بالصلوات قبل الفوت

از رسول خدا بود ماثور»

(کتیبه مسجد جامع شهرک کیان، محرم ۱۱۵۲ هجری قمری)

۳- معصومین

رسول خدا

«عجلو بالصلوات قبل الفوت

از رسول خدا بود ماثور»

(کتیبه مسجد جامع شهرک کیان محرم ۱۱۵۲ هجری قمری)

«یا اله‌ها به حق هشت و چهار

شاه عباس را سلامت دار

که تصدق نمود رخ را ساخت

شود از عمر خویش برخوردار

این دعا ورد خلق شد شب و روز

با عصر مهدیش معاصر دار»

(کتیبه گردنه‌رخ، سال ۱۰۶۲ هجری قمری)

عناصر اجتماعی

در کتیبه‌ها شاهد نقش‌آفرینی برخی از عنصرهای اجتماعی هستیم که عبارتند از:

۱- عناصر حاکمیتی

هم پسند قلیچیش سر کار» (تصویر ۳)
 نام «محب علی بیگ» سردار ترک و نامور، در کتیبه
 مسجد جامع شهر کیان، وجود دارد و از او به نیکی یاد
 شده:
 «گفت ناگه زبان به بانگ بلند
 نام عالی وی بدین دستور
 آن محب علی عالی قدر

که بود گنج عدل را گنجور»
 «امام جمعه دهکرد» در کتیبه امامزاده دو معصوم
 شهرکرد که درباره آن گفتند:
 «ستون خانه تقدیس مقتدای انام
 امام جمعه دهکرد مرجع احکام
 رواق صحن، دو معصوم را چو دید خراب
 ز جان و دل پی تعمیر او نمود اقدام
 سمی سید بطحی محمد آن که بود
 سلیل شاه ولایت پناه گاه انام
 شدند اهل ولایت ز جان و دل حاضر
 پس اطاعت فرمانش از خواص و عوام
 هزار و سیصد و سی بود که از پی هجرت
 رواق صحن دو معصوم پاک گشت تمام»
 (نیکزاد امیرحسینی، ۱۳۵۷: ۲۱۵).
 و در کتیبه مدرسه امامیه شهرکرد هم نام و نشان او
 موجود است:

«میر سید محمد آن که بود
 آیت تقوی و نشانه علم
 پیشوا و امام جمعه وقت
 آن که هست این زمان یگانه علم
 این امامیه را نمود بنا
 خوش سرود اندر او ترانه علم
 شد برون از درون علی گفتا
 این امامیه هست خانه علم»
 (مظهری، ۱۳۹۶: ۱۶۳).
 «محمد رضا خان»، حاکم چالشر، بنا بر نوشته نیکزاد

امیر حسینی از مردان ادب پرور و هنر دوست بود و نام
 وی نیز در کتیبه‌ها آمده است؛ از جمله:
 «به حیرت است خردم شد سؤال بانی مسجد
 بگفت حاج محمد رضا خان ممید
 جهان جود و معانی که از تفضیل ایزد
 شکوه دولت و جاهش شود به دهر موبد»
 (لله گانی، ۱۳۸۵: ۴۵).

۲- وقف

پدیده اجتماعی و مذهبی وقف، یکی از عوامل ماندگاری
 نام‌ها و یادهاست در میان کتیبه‌های موجود در استان
 چهارمحال و بختیاری، به کتیبه پرورشگاه، ساخته شده
 توسط بانو ماه بیگم صمصام در سال ۱۳۶۳ هجری قمری
 می‌توان اشاره کرد:
 «همت از مرتضی علی برسید
 همسر مرتضی قلی خان را
 که ز خیرات خویش بهره دهد
 عده ای کودک پریشان را
 زین جهت ساخت پرورشگاهی
 که دهد پرورش یتیمان را
 زین عمل ماه بیگم صمصام
 کرد خشنود پاک یزدان را
 دید فرزانه این بنا و بخواند
 آیه هل جزاء الاحسان را
 پس چنین گفت از پی تاریخ
 خیر این سان ببايد انسان را

۳- کتیبه یادبود

یکی از زمینه‌های اجتماعی کتیبه‌ها، کارکرد یادبود برای
 فرد متوفی است.
 در مسجد حاج شیخ علی بروجن که کهن ترین مسجد
 شهر بروجن است، سنگ نوشته حک شده بر ستون
 سنگی، نشان دهنده یادبودی از فرد متوفی است.



جلوس میمنت مانوس و عوامل شکفتگی گلشن آمل
عامه نفوس است» (نوروزی بلداجی، ۱۳۷۸: ۹۴-۹۵).
و یا

«ساکن این خطه علیا مقیمان دارالسعاده به اتفاق، به
مضمون حقیقت نمون، یا ایها الذین آمنوا انما الخمر و
المیسر و نصب به آلت قمار دراز نکرده قبل از آن که
شطرنجی روزگار ایشان را در روز ممات و مات و فیل بند
حیرت و پایمال هنگامه عرصات ساخته معلوم شود که
آن برده باخته‌اند، ساکن طریق اجتناب بوده و به هیچ
وجه پیرامون آن عمل شنیع نگردند و کل وجوه اللطف و
قمارخانه و چرس فروش و بوزه فروش ممالک محروسه
را که هر ساله مبلغ‌های خطیر می‌شد» (همان، ۹۴-۹۵).

اجرای احکام شریعت

آن چنان که از کتیبه مسجد جامع فرخ‌شهر بر می
آید، فرمانی سراسری از سوی آخرین شاه صفوی در
نخستین سال جلوس بر تخت قدرت صادر شده که نشان
از عزم جزم «سلطان حسین» برای اجرای احکام شریعت
دارد.

«آغاز طلوع طلیعه شارق مملکت او را و عرضه ظهور
به ظهور سلطنت عظمی است. عقل دوربین و رأی زرین
را طریقه صواب آن می‌نماید که شیوه کریمه آباء سلف
علیم کرایم التحف در اجرای اوامر و نواهی جناب احدیت
و استحکام احکام دین و شریعت به نوعی همت مصروف
فرماییم که موجب رضای باری و باعث فیروزی و
رستگاری بوده» (همان).

وبا

بروز و ظهور پدیده‌های ویرانگر امراض عمومی نظیر
وبا و طاعون، یکی از عوامل ایجاد نگرش برای ثبت و
ضبط سختی‌ها و دشواری‌های بوجودآمده توسط این
بلایای خانمان‌سوز است که نمونه آن را در کتیبه
جونقان، مورخ ۱۳۲۲ هجری قمری، می‌توان مشاهده

متن این سنگ نوشته در قسمت تحتانی این است:
«مرقد عبدالله ابن شکرالله بروجنی در تاریخ شهر صفر
سنه ۱۰۶۳ ه.ق» و در قسمت بالایی متن این بیت حک
شده:

«جانش مقیم روضه دارالسرور باد

گلشن سرای مرقد او پر ز نور باد»

۴- حرکتهای اجتماعی

یکی از مواردی که در کتیبه‌ها، گاه مُجمل و گاه مفصل
به آن‌ها پرداخته شده، حرکتهای اجتماعی‌اند که نشان
از نوع نگاه و ظرفیتهای اجتماعی در روزگار متفاوت و
سالیان متمادی دارد.

مبارزه با صوفیه، منع قمار و مشروب

در دوران شاه سلطان حسین صفوی، حرکت
اجتماعی مبارزه با برخی از منکرات و همچنین صوفیه
تحت نظارت علمایی نظیر علامه مجلسی آغاز شده بود
که بازتاب این حرکت را در کتیبه‌های عصر صفوی
مشاهده می‌کنیم؛ از جمله:

«حکم جهان مطاع شد آن که وزیر سرحد به شفقت
شاهانه سرافراز گشت بداند که چون از هنگامی که مهره
انجم تخت زرنگار فلک آبگون سیماب‌نمون به دست قضا
و کعبتین عاج نیرین جهت تحصیل نقد سعادت کونین
به نقش شش جهت گردیده، گنجور گنجینه وجود و
نمودارهای حقانیت اقتضای قل اللهم مالک الملک توتی
الملک من تشا بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر
درهم و دینار تمام عیار دولت و زردهی پادشاهی و
فرماندهی از صدور یافته، جهت دودمان خلافت و امامت
و خاندان نبوت و ولایت در مخزن هستی و در کمال
تردستی محفوظ و مضبوط داشته، حق شناس این
نعمت بی قیاس و اداء این عارفه محکم اساس در این
عهد سعادت مهد عذرای دولت روز افزون در آغوش و
لیلای سلطنت ابد مقرون دوش به دوش و اولین سال

کرد:

«هوالمعز»

در سال نهم جلوس اعلی حضرت مظفرالدین شاه قاجار خلدالله، ملکه ناخوشی منحوس وبا در اکثر نقاط ایران سرایت نمود. از طرف اصفهان سرایت به چهارمحال نمود. بدین تاریخ که اواسط میزان و غره شعبان در قریه میزدج دارد و جنابان اجل اکرم، آقای حاجی علی قلی خان امیر تومان و حاجی خسروخان سالار ارفع بختیاری، ظلهم با عیال و اطفال به مدت یک ماه است که از جونقان کوچ کرده و در سراب بکان نشسته‌اند. سنه ۱۳۲۲ هجری قمری» (تصویر ۴)



تصویر ۳. کتیبه تاریخی رخ، دوره صفویه
(مأخذ: آرشیو بنیاد ایران‌شناسی)



تصویر ۴. کتیبه جونقان، دوره صفویه
(مأخذ: تیمور امانی)

صفوی رایج بوده، در این کتیبه دیده می‌شود. «حکم جهان مطاع شد آن که وزیر سرحد به شفقت شاهانه سرافراز گشت، بدانند که چون از هنگامی که مهره انجم تخت زرنگار فلک آبگون سیماب نمون به دست قضا و کعبتین عاج نیرین جهت تحصیل نقد سعادت کونین به نقش شش جهت گردیده، گنجور گنجینه وجود و نمودارهای حقانیت اقتضای قل اللهم مالک الملک توتی الملک من تشا بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر درهم و دینار تمام عیار دولت و زردهی پادشاهی و فرماندهی از صدور یافته جهت دودمان خلافت و امامت و خاندان نبوت و ولایت در مخزن هستی و در کمال تردستی محفوظ و مضبوط داشته، حق شناس این نعمت بی قیاس و اداء این عارفه محکم اساس در این عهد سعادت مهد عذرای دولت روز افزون در آغوش و لیلای سلطنت ابد مقرون دوش به دوش و اولین سال جلوس میمنت مانوس و عوامل شکفتگی گلشن آمال عامه نفوس است» (نوروزی بلداجی، ۱۳۷۸: ۹۴-۹۵).

در کتیبه‌های مشروطیت که در پیرغار شهرستان فارسان، که یادگار انقلابیون عصر مشروطه است، زبان به کار رفته در حالت معلق میان دشوارنویسی و رفتن به سمت ساده‌نویسی است و این گواه تطورات زبانی و دگرگونی‌های نوشتاری در روزهای پایانی سده سیزدهم است. همچنین نشان از پیوند حماسه با روح و جان مردم ایل بختیاری دارد.

«چنین گوید حاجی خسروخان سردار ظفر در سنه ۱۳۳۴ آزادی‌خواهان ایرانی از مقام سلطنت تقاضای مشروطه نمودند. مظفرالدین‌شاه قاجار، طاب‌الله ثراه، حکم مشروطیت را دستخط و بعد از اندک زمانی به رحمت ایزدی پیوست. محمدعلی شاه بر سریر سلطنت درآمد. در آنوقت بنده در خدمت برادر والاتبارم حاج علیقلیخان سردار به فرنگستان رفته و چهار ماه آنجا بودیم. به واسطه بی مرحمتی محمد علی شاه، اغتشاش

عناصر ادبی

در کتیبه‌های دوره صفوی استان چهارمحال و بختیاری، از جمله در کتیبه‌های به جای مانده در مسجد جامع فرخ‌شهر که در دهه اول قرن دوازدهم در سال‌های پایانی حاکمیت صفویان بر سینه سنگی محکم شده، شاهی از بیان ادیبانه و آرایه‌پردازی است. دشوارنویسی‌ها و نوشته‌های عالمانه که در میان طغرانیوسان روزگار

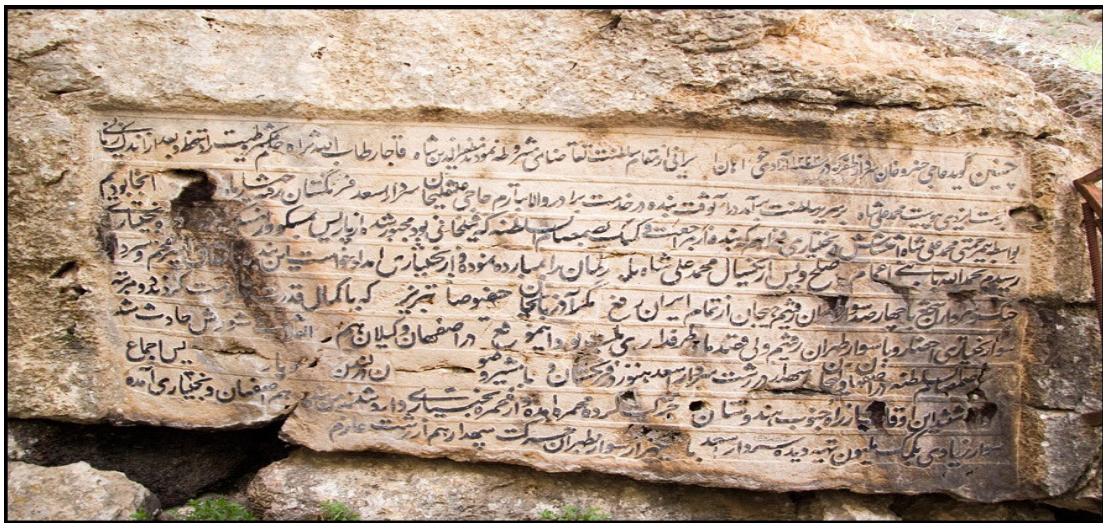


سپهدار و ملیون برتخت سلطنت نشانده عضدالملک قاجار را به سمت نیابت سلطنت منتخب نمودند. پس از یکسال عضدالملک مرحوم و ناصرالملک همدانی را بجای آن مرحوم گماشتند. در سنه ۱۳۲۹ محمد علی شاه که از طرف دولتین و موجب زیاد در روسیه اقامت داشت از طرف استرآباد و سالارالدوله برادرش از کردستان و کرمانشاه با ایلات زیاد برای پایتخت هجوم کردند آن عصر با ملت غیر از امین و ایل بختیاری کسی همراه نبود و به تصویب پارلمان و نایب‌السلطنه خوانین از بختیاری با سه هزار سوار برای جلوگیری محمد علی شاه و سالارالدوله حرکت کردند (حسین پور، ۱۳۹۹: ۴۰) (نصویر ۵).

گاه متن کتیبه، بیان‌کننده خلاصه‌ای از عملکرد انجام شده در خصوص یک طرح عمرانی، نظیر یک پل یا یک مسجد است، مانند کتیبه «پل مصلاهی بروجن»، در سنگ نوشته‌ای بر روی پل به نام سازنده آن این‌گونه اشاره شده است:

«فی السنه ۱۳۱۹ سعی و اقدام و اهتمام جناب افتخار الحجاج حاجی نصراله ابن مرحمت پناه، حاجی مراد علی و به استادی کربلایی احمد بن کربلایی حسن و به سرکاری آقای مشهدی خدا مراد تمام شد» (تصویر ۶).

در بختیاری فراهم آمد که بنده از مراجعت و کمک به صمصام‌السلطنه که ایلخانی بود، مجبور شده از پاریس به مسکو و از مسکو سیزده روزه به بختیاری رسیدم. به حمدالله با بنی اعمام صلح و پس از یکسال محمد علی شاه پارلمان را بمباران نمود و از بختیاری امداد خواست. این بنده به اتفاق امیر مخم و سردار جنگ و سردار اشجع با چهار صد سوار به تهران رفتیم. هیجان از تمام ایران رفع، مگر آذربایجان خصوصاً تبریز با کمال قدرت مقاومت کردند. دو مرتبه سوار بختیاری احضار و با سواران تهران رفتیم، ولی قصد ما طرفداری ملت بود. این موقع در اصفهان و گیلان هم انقلاب و شورش حادث شد. صمصام‌السلطنه در اصفهان و لنجان سپهدار در رشت سردار اسعد هنوز در فرنگستان و با مشروطیون در لندن و پاریس اجماع داشتند. این اوقات از راه جنوب هندوستان حرکت کرده به محمره آمده و از محمره به بختیاری وارد شدند. من بنده هم اصفهان و بختیاری آمده سوار زیادی به کمک ملیون تهیه دیده و سردار اسعد با یکهزار سوار بطهران حرکت سپهدار [تنکابنی] هم از رشت عازم در طهران شده و پس از جنگ بسیار داخل شهر شدند. محمدعلی شاه در شمیران بودند. همینقدر که طهران اشغال گردید، بسفارت روس پناهنده شد. ولیعهد را که اعلیحضرت سلطان احمدشاه سلطان حالی ایران خلدالله ملکه است سردار اسعد و



تصویر ۵. کتیبه تاریخی پیرغار (مأخذ: آرشیو بنیاد ایران‌شناسی شعبه چهارمجال و بختیاری)

استاد خردمند نهاد پل روی ماسه
چون قاشق آب شره خوری بر لب کاسه
خانی که بدش صاحب هیار و سرکار
از واقعه سستی پل گشت خبر دار
یک روز فرستاد که ای احمد بنا
از چیست نداری سر صد مهر و تمنا»



تصویر ۶. کتیبه پل مصلی بروجن، دوره قاجار (مأخذ: نگارنده)

(طهماسبی، ۱۴۰۰: ۴۸).
ماده تاریخ، نشان دهنده سال ساخت اثر یا تولید یا
تولدی است که شاعر خوش ذوق به کمک حروف ابجد با
شاعرانگی خویش آن را به مخاطب عرضه می‌کند، نظیر:
رخ، چالستر، شیخعلی
«مردمان خانه خدا اینجاست
جای پاکان بی ریا اینجاست
عجلو بالصلوه قبل الموت
به سعی و عمل میرزا اسمعیل کاشی پز اصفهان»
و نیز آمده
«تبارک الله از این مسجد مشید
که سر کشیده بر رفعت به اوج چرخ ممرد
رسانده اصل بنا متین به ماه و مهر
گذشته فرع بنا تا به ماه مهر مصعد
چو نور مهر بر او تابد از دریچه شرق

و جالب آن که میرزا احمد بنا، که معمار پل مصلی است
و از قریحه شاعری برخوردار بوده، با زبانی نزدیک به
زبان عامیانه، چگونگی ساخت پل را این چنین توضیح
می‌دهد:

«در سیصد و پانزده سنه ریزش باران
از دست فلک گشته خلائق همه حیران
در عید مظفر شب عید عرفا بود
این اهل بروجن همه را عید عزا بود
اندر شب تاریک شده آب، روانه
از کثرت سیلاب نه پل ماند و نه خانه
حیف است که تو نقره کنی خرج مطلا
مخروبه شد از دست قضا پل مصلی
مخروبه بماندش سه سنه بلکه چهارم
تا خالق بی چون بزدی لطف به کارم
استاد سده با دو برادر سر پلند
انگار که قاب پلویی هر سه به هولند



«پس چنین گفت از پی تاریخ
خیر این سان ببايد انسان را» (۱۳۶۳:ق)

نتیجه‌گیری

هرچند تاریخ استان چهارمحال و بختیاری به لحاظ موقعیت سخت‌گذر جغرافیایی و نوع برخورد فرهنگی، از دیرباز مبتنی بر روایت‌های شفاهی بوده است و منابع مکتوب که نشان از چگونگی زیست فرهنگی و حیات اجتماعی مردمان این سرزمین باشد، اندک و انگشت‌شمارند؛ اما کتیبه‌ها و سنگ‌نوشته‌های موجود در دوره‌های اسلامی، به ویژه از دوره حاکمیت صفویان در قرن دهم به بعد در این منطقه، گواه تأثیرپذیری از باورها و اعتقادات دینی است و در نگاهی گذرا شاهد نقش آفرینی عناصر و مفاهیم دینی، اجتماعی و ادبی در این کتیبه‌ها هستیم.

جلوه‌هایی نظیر مسجد، آیات و روایات و شخصیت‌هایی دینی در کنار عناصر حاکمیتی نظیر سلطان صفوی، حاکمان و خوانین محلی و افراد ذی نفوذ منطقه‌ای گواه بهره‌جویی خالقان کتیبه‌های از این عناصر هستند و در خصوص عناصر ادبی در کنار کتیبه‌های منظوم و شاعرانه شاهد سیر تطور و تغییرات زبانی و ادبی در این کتیبه‌ها هستیم. در این مقاله به بررسی آن پرداخته شده است تا گواهی برای حضور این عناصر باشد.

منابع

آخوندی سورکی، اردشیر و زمانی‌پور، بابک (۱۳۸۵)، *سیمای میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری چهارمحال و بختیاری*، تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
حسین‌پور، علی (۱۳۹۹)، *گزارشی از متون کتیبه‌های استان چهارمحال و بختیاری*
حسین‌پور، علی (۱۴۰۰)، «بررسی سیر تحولات تاریخی چهارمحال و بختیاری؛ از ورود اعراب تا روی کار آمدن

کند به ساخت مغرب سواد سایه ممد
به حیرت است خردم شد سوال بانی مسجد
بگفت حاج محمد رضا خان ممید
جهان جود و معانی که از تفضیل ایزد
شکوه دولت و جاهش شود به دهر موبد
سوال کرد ز تاریخ مخلص از خرد او گفت
شده است کعبه دوم همین جدید معبد»
(لله‌گانی، ۱۳۸۵: ۴۵).

هو الله تعالی

«یا الها به حق هشت و چهار
شاه عباس را سلامت دار
که تصدق نمود رخ را ساخت
شود از عمر خویش برخوردار
این دعا ورد خلق شد شب و روز
باعصر مهدیش معاصر دار
اول ماه ابتدا کردند آخر
ماه ختم شد این کار
سال تاریخ از اغنیا بطلب
هم پسند قلیچیش سر کار»
(آخوندی، ۱۳۸۵: ۳۸).

در کتیبه‌ای دیگر این اشعار نوشته شده است:
«ستون خانه تقدیس مقتدای انام
امام جمعه دهکرد مرجع احکام
رواق صحن، دو معصوم را چو دید خراب
ز جان و دل پی تعمیر او نمود اقدام
سمی سید بطحی محمد آن که بود
سلیل شاه ولایت پناه گاه انام
شدند اهل ولایت ز جان و دل حاضر
پس اطاعت فرمانش از خواص و عوام
هزار و سیصد و سی بود که از پی هجرت
رواق صحن دو معصوم پاک گشت تمام»
(نیکزاد امیرحسینی، ۱۳۵۷: ۲۱۵).